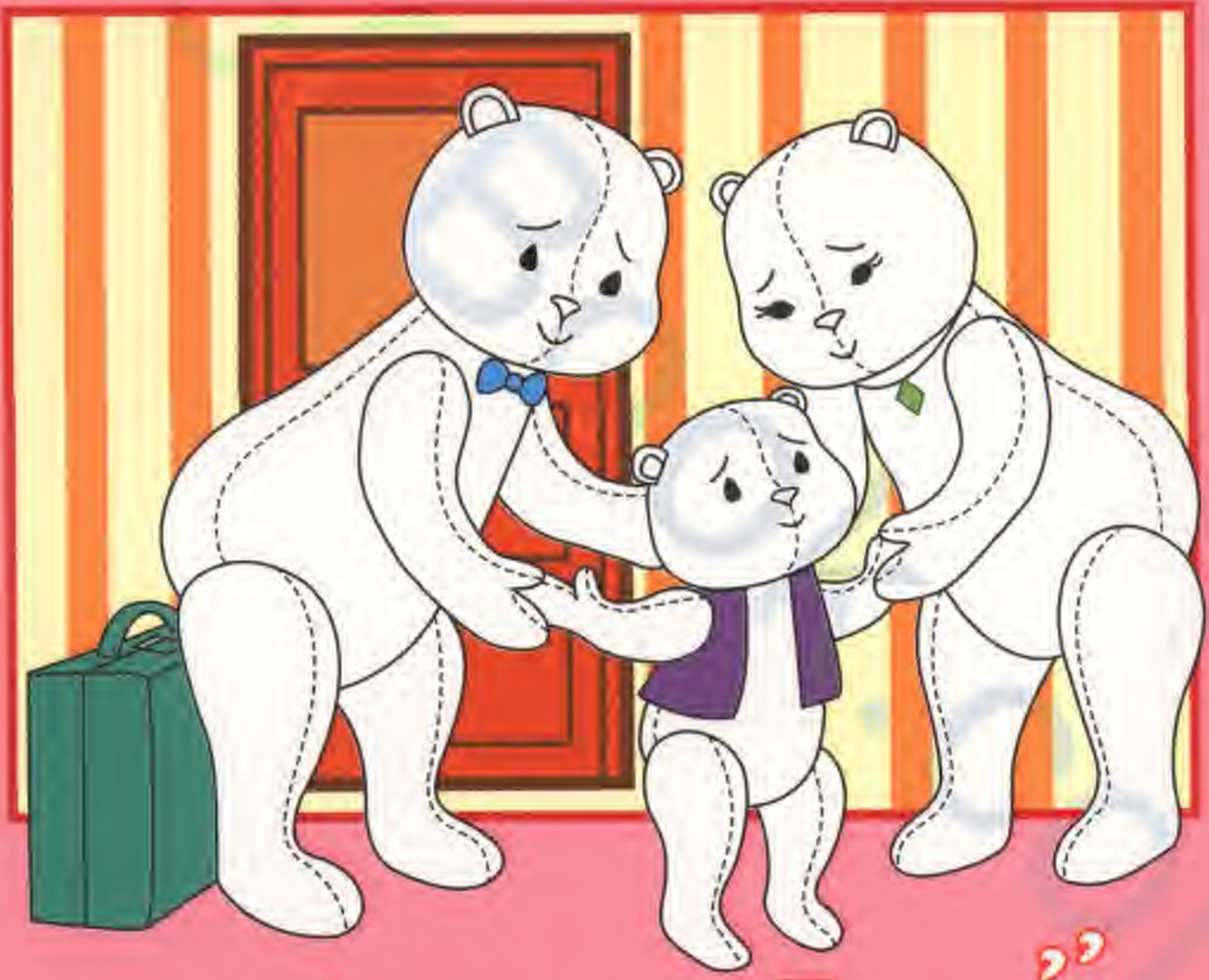
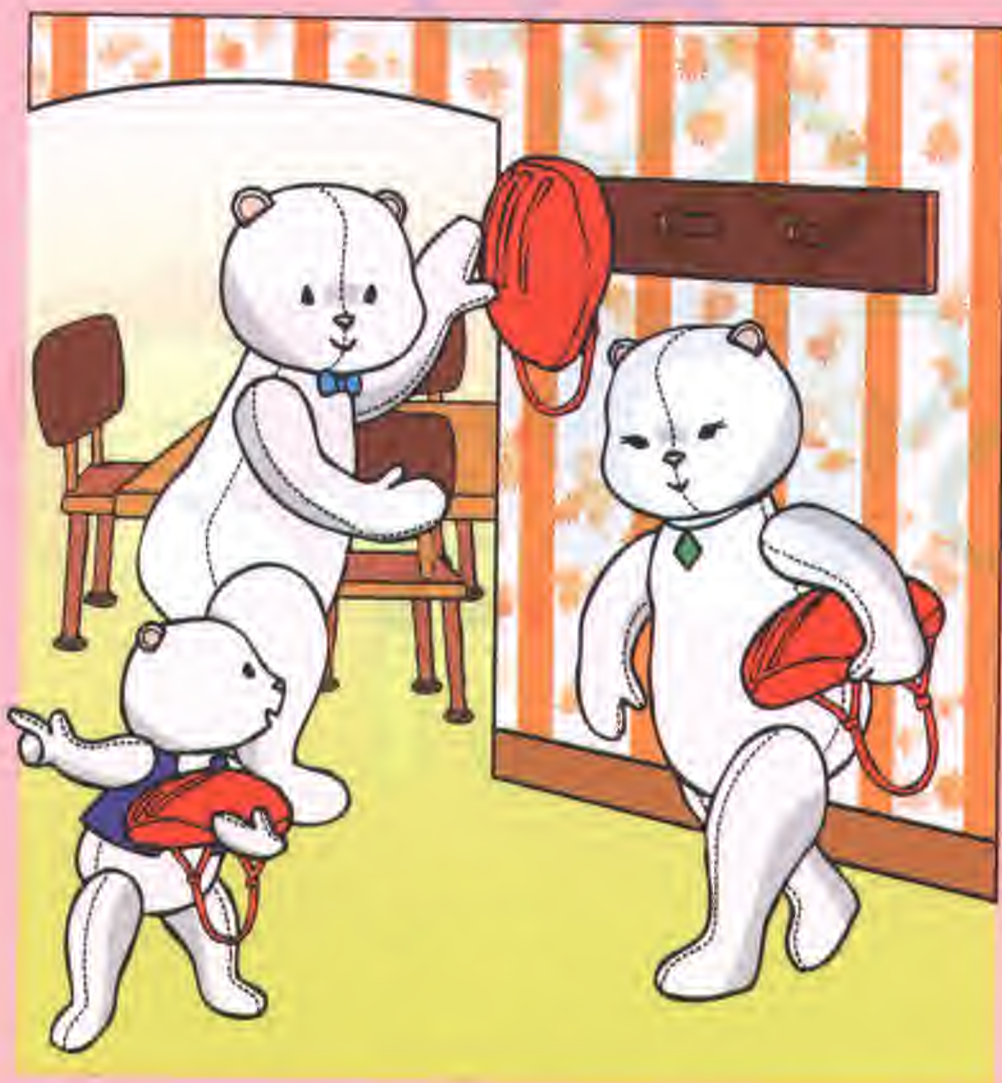


چاپ



تپلی نگران می شود



اسم من تیلی است.
قبلا بچه خرس شاد و شنگولی بودم.

از مدرسه رفتن و بازی کردن با دوست‌هایم
لذت می‌برم. دوست داشتم با بابا و مامانم
دوچرخه‌سواری کنم.

ولی گاهی صدای بابا و مامانم را می‌شنیدم
که داشتند با هم بگومگو می‌کردند.
از حرف‌هایشان ناراحت می‌شدم.

هر روز بیشتر بگومگو می‌کردند. من غصه‌ام
می‌گرفت و می‌ترسیدم.

بعد یک روز بابا و مامانم گفتند که باید چیز مهمی را به من بگویند.
قیافه‌هایشان خیلی جدی بود. گفتند: «تیلی ما می‌خواهیم از هم طلاق
بگیریم.»



پرسیدم: «طلاق یعنی چی؟»
مامانم گفت: «یعنی من و
بابات تصمیم گرفته‌ایم
که بعد از این جدا از هم
زندگی کنیم.»

من به کلی گیج شدم.
پرسیدم: «آخه برای چی؟» و زدم زیر گریه.



تپلی بچه خرس شاد و شنگولی است. ولی این روزها اوقاتش خیلی تلخ است، چون پدر و مادرش می‌خواهند از هم جدا شوند.
تپلی نگران آینده است ولی وقتی با پدر و مادرش صحبت می‌کند، خیالش راحت می‌شود.

۱۵۰۰ تومان

ISBN: 978-964-389-771-0



9 789643 897710